

# از اصلاح انشعاب از چاه‌ها به شکل کبریا نبرد

در فضای آزادی‌های سیاسی ایران، در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ احزاب و گروه‌های سیاسی شکل گرفته و به فعالیت پرداختند. حزب توده یکی از مهمترین این احزاب بود که در آغاز بیشتر براساس اشتراک مساعی جمعی از اعضای گروه پنجاه و سه نفر که به تمایلات مارکسیستی شهرت داشت و تعدادی دیگر از فعالین حرکت‌های کمونیستی پیشین تشکیل شد ولی به تدریج جنبه‌ای فراگیر و گسترده یافت.

حزب توده از یک سو براساس یک برنامه منسجم سیاسی و اجتماعی، در انتقاد از وضعیت حاکم بر کشور پا به عرصه سیاست نهاد و از سوی دیگر نیز با گرایش فزاینده‌ای به تبعیت و پیروی از منافع منطقه‌ای اتحاد جماهیر شوروی، تعارض و تناقض نهفته در این دو گرایش متفاوت - همان‌گونه که در این نوشته به گوشه‌هایی از آن اشاره خواهد شد - به تدریج و در مواجهه با حوادثی چون تقاضای نفت شمال از سوی روس‌ها در سال ۱۳۲۳ و اجرای حکومت خودمختار فرقه‌های دموکرات در آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۵، صورت آشکاری یافت که در نهایت، در آبان ۱۳۲۶ به بروز یک انشعاب اساسی در حزب توده منجر شد. در این بررسی سعی شده است که با توجه به اطلاعات موجود در جراید و نشریات آن دوره که تاکنون به نحوی جدی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، گزارشی از این واقعه به دست آید که شاید در مقایسه با آنچه بیشتر به صورت خاطرات

و تعبیرهای بعدی دست‌اندرکاران این تغییر و تحول، منتشر و منعکس شده است، از لحاظ بازسازی فضای سیاسی وقت از دقت بیشتری برخوردار باشد.

همان‌گونه که در ابتدای این نوشته خاطرنشان گشت از ابتدای تشکیل حزب توده سعی بر آن بود که حزب مزبور حزبی فراگیر و گسترده باشد تا بتواند منافع تمام اقشار جامعه ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد. ولی اعضای آن به مرور زمان به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول که اکثریت رأس هرم حزب را شامل می‌شد معتقد بودند که سیاست‌گذاری و جهت‌گیری‌های اصلی حزب توده باید در چارچوب سیاست‌های اتحاد شوروی باشد. چنانچه بعدها در مبرم‌ترین وضعیت، حزب سیاستی را اتخاذ نمود که در همین راستا بود. گروه دوم، که بیشتر در بخش‌های میانی و پایین حزب قرار داشتند معتقد بودند که سیاست‌های حزب باید در چارچوب منافع ملی ایران تعریف و اجرا شود و نباید دنباله‌رو سیاست‌های اتحاد شوروی باشد. خلیل ملکی یکی از چهره‌های شاخص گروه پنجاه و سه نفر به عنوان پیشرو این طرز فکر و به دنبال او طیف دیگری از چهره‌های شاخص حزبی، آغازگر حرکتی شدند که در عرض مدت زمانی کوتاه به حرکتی گسترده منجر شد که حزب توده را در معرض یک توان‌آزمایی بزرگ قرار داد. هدف اصلی این بررسی نگاه مجددی است به جوانب نظری این واقعه و بازتابی که در مطبوعات حزبی و غیرحزبی آن دوره داشت.

خلیل ملکی از ابتدای تأسیس حزب توده به آینده آن خوش‌بین نبود و به همین دلیل تمایل نداشت که با هم‌سلول‌های اسبق خود در برپایی آن مشارکت کند. یوسف افتخاری یکی از فعالین سرشناس نهضت کارگری در دوره رضاشاه که به همین دلیل حدود سیزده سال را در زندان سپری کرده بود ضمن اشاره به بدبینی تعدادی از رفقایش نسبت به نیت شوروی در تأسیس و پشتیبانی از حزب توده، در خاطراتش به این موضوع اشاره کرده، می‌نویسد: "... یک روز مرحوم خلیل ملکی مرا در خیابان دید و گفت به حزب توده نرفته‌ام و نامم هم نیستم. گفتم خوب کاری کردی. حزب توده حزبی نیست که اساس درستی داشته باشد."<sup>۱</sup>

حزب توده به مرور به یکی از کانون‌های اصلی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی برای روشنفکران و تحصیل‌کردگان شد. ولی با این حال خلیل ملکی تا سال ۱۳۲۲ از پیوستن به حزب امتناع می‌کرد. انورخامه‌ای در خاطرات خود از تنش‌هایی سخن می‌گوید که در همان مراحل اول کار پیش آمد و این که برای کمک به افراد اصلاح‌طلب حزب، برای مقابله با رهبران اپورتونیست و تسریع اصلاحات درون حزب به افراد مختلفی بیرون از حزب مراجعه کرده بود: « نخستین کسی که در این زمینه در نظر گرفتیم خلیل ملکی بود. ملکی به علت سوابق درخشان مبارزه‌ای در زندان، شخصیت

برجسته‌ای بود که می‌توانست در برابر اسکندری و رادمنش‌ها بایستد و آنان را به باد انتقاد بگیرد. منطق قوی، مطالعات گسترده، نفوذ کلام و مخصوصاً جرأت و جسارت بی‌مانند ملکی از او شخصیتی می‌ساخت که در این مبارزه برای ما بسیار مفید و ضروری بود... اما وی از همان تأسیس حزب و به علت همان انتقاداتی که ما داشتیم از آن روی بر تافته و از مبارزه سیاسی کناره گرفته بود. تصمیم گرفتیم به هر قیمت هست او را حاضر به همکاری سازیم. این مأموریت به عهده آرداشس، من و نوشین واگذار شد... ملکی اول اظهار یأس و بدبینی کرد و گفت با این حزب و این رهبران هیچ کاری نمی‌شود کرد. ما توضیح دادیم که وضع حزب نسبت به هنگام تأسیس آن خیلی تغییر کرده و در کنفرانس ایالتی موفقیت‌هایی بدست آمده است. مبارزات حزب به ویژه علیه سید ضیاء در مردم تأثیر فراوان بخشیده است و در ماه‌های اخیر عده زیادی از دانشجویان و روشنفکران به حزب روی آورده‌اند. آینده حزب نوید فراوان می‌دهد و حیف است چنین شرایط مساعدی را از دست داد. در اثر استدلال‌های ما ملکی کم‌کم نرم شد.<sup>۱</sup> بدین ترتیب خلیل ملکی در مقام چهره شاخص گروه دوم به حزب توده ایران پیوست.

از ابتدای تشکیل حزب تا انشعاب در سال ۱۳۲۶ رشته وقایعی رخ داده که نقش مهمی را در شفاف‌تر شدن موضع‌گیری سیاسی این دو گروه بر عهده داشته است. رویدادهای مهمی که طول این سال‌ها در خلال تصمیم‌گیری‌های سیاسی حزب توده رخ داد از وضعیت وابستگی بی‌چون و چرای حزب به اتحاد شوروی حکایت داشت. از میان این رویدادها، دو مورد آن نقطه عطفی در تصمیم‌گیری‌های حزب توده به‌شمار می‌رفتند: اول مسئله امتیاز نفت شمال بود و دیگری مسئله فرقه دمکرات و خود مختاری آذربایجان. بعد از ورود هیأتی به ریاست کافتارادزه از شوروی به ایران در ۲۰ شهریور ۱۳۲۳ و سفر این هیأت به منطقه سمنان و بررسی و تحقیق‌هایی، مقامات شوروی از دولت ایران تقاضای امتیاز نفت شمال را نمودند. کافتارادزه طی مصاحبه‌ای اعلام کرد «من در رأس یک هیأت دولتی به منظور مطالعه وضع شرکت نفت کویر خوریان و تحصیل اطلاعات در مورد منابع طبیعی نفت شمال ایران وارد ایران شده‌ام. این امر که در مسکو آغاز شده بود، به کمک یک عده از کارشناسان و علمای زمین‌شناسی بزرگ که با من وارد شده‌اند، اینک به انجام رسیده است. ما به بازدید تمام نقاطی که مورد نظر ما بوده موفق شده‌ایم و کارشناسان و زمین‌شناسان شوروی از وضع و ساختمان طبقات، ارتفاعات محلی و سایر آثاری که دال بر وجود احتمالی منابع نفت باشد، اطلاعات کامل بدست آوردند. من نتایج عملیات خود را به دولت متبوع خویش رسانیده‌ام و اینک به کمیسونی که من در رأس آن قرار دارم اجازه داده شده است که پیشنهادی به دولت ایران تقدیم داریم که کشف و استخراج نفت در مناطق شمالی ایران به دولت شوروی واگذار شود.»<sup>۲</sup>

انگیزه اصلی طرح خواسته نفت شمال از سوی شوروی آن بود که از دی ماه ۱۳۲۲ نمایندگان دو شرکت نفتی آمریکایی به تهران آمده بودند و راجع به اخذ امتیاز نفت در بعضی از نقاط جنوب شرقی ایران فعالیت‌هایی را آغاز کردند و روس‌ها نیز بلافاصله با فرستادن کافتارادزه به ایران تقاضای امتیاز نفت شمال را مطرح کردند. با این وضعیت دولت وقت مجبور شد با تلاش مجلس در ۱۱ آذر ماه ۱۳۲۳ لایحه‌ای را در مجلس به تصویب برساند که بر اساس آن مقامات دولتی از حق مذاکره راجع به امتیاز نفت تا پایان جنگ به کشورهای خارجی ممنوع شده بودند.<sup>۴</sup>

موضع‌گیری حزب توده در این جریان، حمایت محض از روس‌ها و حمله شدید به دولت بود. توجیه حزب برای دادن امتیاز این بود که «... با وضعیت فعلی که منابع ثروت ما خوابیده، بنیه اقتصادی ما در کمال ضعف است، فقر و فلاکت دامنگیر کشور ما گردیده، خطر عظیم بیکاری روزبه‌روز نزدیک‌تر می‌شود، دولت نقشه صریح و حتی مبهمی برای ایجاد فعالیت اقتصادی ندارد. در چنین اوضاعی اصولاً صحبت از مخالفت با امتیاز نیست بلکه گفتگو در شرایط آن است.»<sup>۵</sup> این توجیه به ظاهر منطقی یکی از توجیهاتی بود که حزب در تبلیغات خود عنوان می‌کرد. از دیگر مسائلی که حزب توده برای تحت فشار قرار دادن دولت به کار برد، نوعی تهدید و ترساندن ایران از قدرت اتحاد شوروی بود. به عنوان مثال به سرمقاله روزنامه رهبر در ۲۸ مهر ۱۳۲۳، می‌توان اشاره کرد که نتیجه می‌گرفت: «اساساً دولت امروز شوروی در سیاست آینده جهان با قدرتی که در سایه جانبداری ارتش فداکار سرخ کسب کرده است، اهمیتی به سزا خواهد داشت و رنجاندن چنین دولتی بی‌شبهه به زیان منافع ملت ایران در کنفرانس صلح آینده خواهد بود.»<sup>۶</sup> حزب توده در ادامه این استدلال به اتخاذ نوعی «سیاست موازنه مثبت» نیز توصیه می‌کرد «دولت ملی که می‌خواهد استقلال به تمام معنای خود را حفظ نماید مخصوصاً برای خاطر استقلال خودش باید به منافع حیاتی کلیه همسایگانش توجه داشته باشد.»<sup>۷</sup>

بعد از تظاهرات حزب توده در ۵ آبان ۱۳۲۳ به نفع اعطاء امتیاز نفت شمال که با همراهی واحدهای نظامی ارتش سرخ توأم شد نیروهای ملی حملات شدیدی را به حزب توده به خاطر این موضع‌گیری انجام دادند که به لحاظ افکار عمومی تأثیر سوئی بر وجهه حزب به حساب می‌آمد. حزب توده در واکنش به این تحولات اظهار داشت: «شاید به ما ایراد بگیرید که چرا از مصالح دولت شوروی صحبت می‌کنیم؛ برای اینکه مصالح ما جز با منظور داشتن مصالح سایر دولت‌ها و ملت‌های دنیا و در درجه اول مصالح دولت‌ها و ملت‌های نیرومندی که در همسایگی ما هستند تأمین نخواهد شد. همان‌طور که امتیاز نفت جنوب یک واقعیتی است که اکثریت نمایندگان مجلس و حتی مخصوصاً آقای دکتر مصدق از دست زدن به آن تخاصی جدی نشان دادند، مصالح دولت همسایه

نیرومندی که فداکاری‌ها برای مصالح خود و جهان به خرج داده است نیز باید یک واقعیت سرسخت تلقی گردد. بنابر این دلایل است که ما از مصالح دولت شوروی نیز صحبت می‌کنیم. علی‌الخصوص که مصالح مذکور در مخالفتی که با عناصر ارتجاعی ایران و حکومت رضاخانی دارد با مصالح ملت ما هماهنگ و موازی است...» حزب توده در ادامه چنین استدلالی خاطر نشان ساخت «... ظاهر امر چنین است که پس از جنگ قشون دول سه‌گانه از ایران بیرون می‌روند ولی باطن امر این است که اگر ماهیت دولت ایران همین باشد که اکنون است در حقیقت فقط نفوذ شوروی مجدداً از ایران طرد شده است، زیرا که همه می‌دانیم که دولت ما، مجلس ما، رجال ما و دستگاه حاکمه ما متعلق به این ملت نیست و در دست عواملی است که این مهره‌های بی‌اراده را ده‌ها سال است از این دست به آن دست می‌گذارند. پس دولت شوروی طبیعی است که از این دستگاه نگران باشد...»<sup>۸</sup>

اقدام مجلس در تصویب عدم اعطای هرگونه امتیاز نفت تا پیش از پایان جنگ باعث شد کافتارادزه در ۱۸ آذر ۱۳۲۳ ایران را ترک و موقتاً این بحران فروکش نماید.

بعد از شکست آلمان در جنگ در اردیبهشت ۱۳۲۴ و تسلیم ژاپن در مردادماه همان سال، دولت ایران در ۲۰ شهریور ۱۳۲۴ از متفقین خواست که قوای خود را از ایران خارج کند. ولی به دنبال این مسئله، اتحاد شوروی در ادامه تلاش‌های خود برای تحت فشار گذاشتن ایران و تثبیت حوزه نفوذ خود در شمال ایران، فرقه دموکرات را برپا کرد و در ۲۲ شهریور تشکیلات محلی حزب توده در آذربایجان الحاق خود را به حزب دموکرات اعلام نمود.



ایرج اسکندری در مورد اعلام الحاق حزب توده به فرقه دموکرات می‌گوید: «ما کاملاً در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته بودیم و مخالف هم بودیم. ما اصلاً چنین چیزی را قبول نداشتیم و می‌گفتیم آخرین چه معنایی دارد و تعجب کردیم. خیال می‌کردیم پیشه‌وری خودسرانه و به ابتکار خود این کار را کرده ولی بعداً دیدیم کم‌کم رفقای که ارتباط بیشتری با مراجع داشتند، آمده و گفتند که رفقا عقیده‌شان این است و قضیه‌ای است که مورد پشتیبانی است. بعداً هم از طریق اخبار بین‌المللی اطلاع حاصل کردیم که جریان از طرف مقامات شوروی یا دولت شوروی پشتیبانی می‌شود.»

مقامات شوروی بعد از تأسیس فرقه به سرعت با فراهم آوردن امکانات مادی و معنوی و تسلیحاتی برای آن و همچنین جلوگیری از حرکت نیروهای دولت مرکزی از شریف‌آباد قزوین به آن طرف، صریحاً به حمایت از این حرکت برخاستند.

یکی دیگر از دلایلی که باعث شد ملکی در مورد جدایی از حزب توده و اصلاح‌ناپذیری حزب یقین بیشتری حاصل نماید همانا مأموریتش به آذربایجان بود. ملکی در این باره می‌گوید: «از آذربایجان، اخبار وحشتناکی می‌رسید که نه تنها اصلاح‌طلبان بلکه اعضای محافظه‌کار کمیته مرکزی نیز از آن اخبار بر خود می‌لرزیدند. کمیته مرکزی مرا با اختیارات تمام مأمور کرد که به تبریز بروم و در سازمان‌های ایالتی آذربایجان تصفیه کامل و اصلاحاتی را اجرا کنم.» ملکی پس از ورود به تبریز شاهد رفتار نامعقول مهاجران قفقازی با مردم بود علاوه بر آن رفتار مسئولین حزبی مانند محمد بی‌ریا را کاملاً مخالف تمامیت ارضی ایران دید؛ وی می‌نویسد: «در کمیته شهرستان تبریز دیدم شش عکس استالین را با هم به دیوار نصب نموده‌اند. من پنج عکس را با دست خود گندم و گفتم: این یکی باشد کافی است مشروط بر این که عکس خیابانی و ستارخان و باقرخان و سایر انقلابیون ایرانی را نیز در پهلوی عکس استالین نصب نمایند. متوجه شدم که در کارخانه‌ها عکس‌های متعددی از افسران و ژنرال‌های شوروی بر دیوارها کوبیده شده، دستور دادم این عکس‌ها را فرود آورند و در صورت لزوم عکس‌هایی از رهبران انقلابی نهضت مشروطه و نهضت توده جای آن‌ها نصب شود.» «ظاهراً این اقدامات ملکی با نارضایتی رهبران فرقه دموکرات و مسئولین روسی آن‌ها مواجه شد. پس از بازگشت به تهران در پی نارضایتی سفارت شوروی از این امر به کمیته مرکزی دستور رسید که خلیل ملکی را دیگر به تبریز نفرستند.»<sup>۱۱</sup> براساس چنین رخدادهایی بود که زمینه‌ان‌شعاب ملکی و هوادارانش از حزب توده مهیا شد.

در فاصله فروپاشی فرقه دمکرات تا حدود یک ماه بعد حزب توده که عملاً از نشر آراء و افکارش نیز بازمانده بود، دچار تحولات گسترده‌ای شد. روزنامه رهبر ازگان حزب که صاحب امتیاز

آن ایرج اسکندری بود در آستانه پنجمین سال انتشارش در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۲۵ توقیف شد. سرنوشتی که روز بعد روزنامه بشر به جای رهبر نیز به آن دچار گردید. روز ۱۸ آذر کار و دانش به جای بشر چاپ شد که آن هم توقیف شد و روز ۱۹ آذر ۱۳۲۵ رزم به جای کار و دانش منتشر شد که آن نیز توقیف گردید. تا آن که بالاخره ارگان حزب بعد از ۲۶ روز تعطیلی در روز ۱۵ دی ۱۳۲۵ به نام ارگان هیأت اجراییه موقت حزب توده ایران منتشر شد و از روز ۱۶ دی به نام نامه مردم منتشر گردید و حزب توده از نو امکان طرح و بیان آراء خود را یافت.

مواضع حزب تحت فشار اصلاح طلبان به رهبری ملکی تغییر مهمی پیدا کرد. تغییر مواضع به وضوح در روزنامه نامه مردم محسوس بود، به طوری که در آن سعی شده بود نسبت به عملکرد گذشته حزب یک بررسی انتقادی صورت گیرد. در شماره اول آن بیانیه هیأت اجراییه موقت حزب توده ایران خطاب به مردم چاپ شده بود که در آن نوید اتخاذ روش نو و اصلاح اشتباهات گذشته داده شده بود. در مقدمه این اعلامیه آمده بود «در اثر تحولات اخیر در اوضاع سیاسی کشور حزب توده ایران در صدد است از گذشته پنج ساله تجربه گرفته و در سازمان و روش کار خود اصلاحات لازمه را مطابق با مطالبات محیط حزبی و اجتماعی عملی گرداند» سپس در ادامه بیانیه، جنبه‌های مثبت و منفی تجارب گذشته مورد توجه قرار گرفته بود. جنبه‌های مثبت حزب را در روشنگری و بیداری مردم دانسته و آنگاه به جنبه منفی حزب می‌پرداخت که در آن مسائلی چون توسعه کمی حزب مورد اشاره قرار گرفته بود و به عضویت درآمدن داوطلبان زیادی بدون هیچ گونه فیلتری که مانع ورود افراد فاسد و ماجراجو به داخل حزب شود. در ادامه این بررسی انتقادی آمده بود: «حزب توده ایران دارای این نقص بزرگ بود که نتوانست ایرانیان را چنانکه باید و شاید به هدف‌های خود متوجه ساخته و به حسن نیت و صداقت خود قانع گرداند. علاقه او به آزادی و اصلاح، او را به یک جانبداری متعصبانه از جنبش آذربایجان واداشت ... باید بگوییم که این انتقادات نسبت به روش و سازمان حزب چیزی نیست که پس از بحران اخیر حزب ناگهان بروز کرده و یا این که هیأت اجراییه موقت آن را برای تسکین خاطر نقادان به طور خلق‌الساعه اختراع نموده باشد. چنین تصویری اشتباه محض است. در حزب توده ایران خواه در میان افراد عادی خواه در دستگاه رهبری پیوسته کسانی بودند که حقایق را متذکر شده و انحرافات و افراطها را منع می‌کرده‌اند ولی منع اجتماعی و حزبی طوری بود که روش این افراد پیشرفت نداشت و حتی کمیته مرکزی سابق که با این غلط‌روی‌ها و افراطها مخالف بود، انضباط شدید حزبی را اجرا نمی‌کرد و به تصفیه کامل حزب دست نمی‌زد.»

در بخش دیگر این بیانیه به اهداف حزب در سیاست‌های داخلی کشور پرداخته و قول داده شده بود که در آینده سعی می‌کند مدافع حقوق مردم و اصول آزادی باشد و در مورد سیاست خارجی نیز بعد از تأکید بر موضع‌گیری حزب که ظاهراً بر اساس منافع ملی استوار بود، اظهار شده بود که: «هر دولت خارجی که به استقلال و تمامیت کشور ما احترام بگذارد، برخلاف آزادی و قانون اساسی ما توطئه نچیند ... مورد علاقه کامل ما خواهد بود ... ما معتقدیم که سیاست دولت‌های ما باید با توجه به منافع حیاتی ملت ایران بر اساس تحکیم صلح و همکاری بین‌المللی تنظیم شود.»<sup>۱۲</sup>

علاوه بر این بیانیه که خطاب به "ملت" بود، بیانیه‌ای هم خطاب به "رفقای حزبی" صادر شد. با همان مضمون منتها با یک تفاوت که در این بیانیه آمده بود «هیأت اجراییه موقت برای تهیه مقدمات تشکیل کنگره دوم حزب در عرض سه ماه اقدام خواهد نمود تا در آن کنگره کمیته مرکزی جدیدی انتخاب شود. این هیأت به کنگره آینده طرح تازهای برای مرامنامه و نظامنامه تقدیم خواهد داشت. اینهاست وظایفی که هیأت اجراییه موقت حزب برای خود مقرر داشته است.»<sup>۱۳</sup> ولی متأسفانه این رویکرد انتقادی چنان‌که ملاحظه خواهد شد بعد از یک دوره کوتاه از حرکت باز ایستاد و حتی روزنامه‌نامه مردم که ستون ویژه‌ای را برای طرح پرسش‌های انتقادی باز کرده بود، بعد از هفت شماره این ستون را تعطیل کرد.

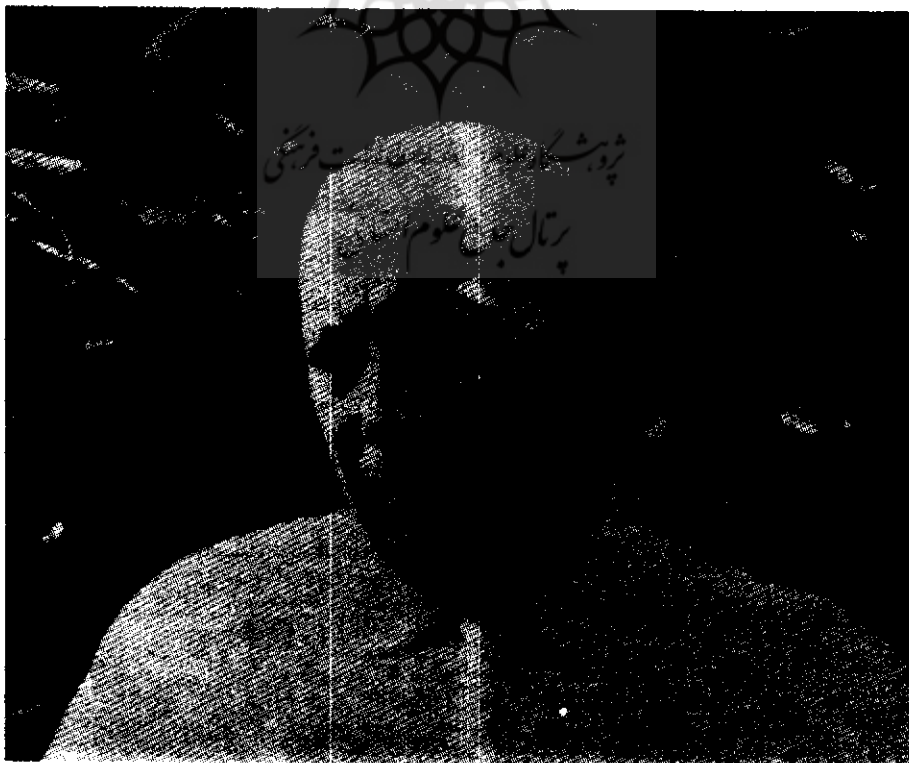
ولی با این حال در داخل حزب و جدا از نمای مطبوعاتی و آشکار آن، تلاش‌های اصلاحی با قدرت هرچه تمام‌تر ادامه داشت. هر هفته در کلوب حزب توده رشته جلساتی برای بحث و انتقاد برگزار می‌شد و در این میان نیز خلیل ملکی نقش مهمی را ایفا می‌کرد. به نوشته دکتر انور خامه‌ای، یکی دیگر از چهره‌های شاخص این تلاش و تکاپو «... اصلاح‌طلبان با سرسختی فراوان خواهان تغییر دستگاه رهبری حزب و تحول اساسی در روش‌های آن بودند. بالاخره اصلاح‌طلبان پیروز شدند و کمیته مرکزی سابق استعفاء داد. هیأت اجراییه موقتی تشکیل گردید و اعلامیه‌ای صادر نمود که در عرض سه ماه حزب را کاملاً از عناصر فاسد تصفیه نموده و کنگره دوم را تشکیل خواهد داد و یک کمیسیون نیز تشکیل خواهد گردید. اعضای هیأت اجراییه موقت عبارت بودند از: خلیل ملکی، دکتر رادمنش، دکتر یزدی، دکتر کشاورز، دکتر بهرامی و غلامحسین فروتن. بعدها دکتر کیانوری و احمد قاسمی و احسان طبری نیز به عنوان اعضای مشاور به این هیأت اضافه شدند. ورود این سه نفر به هیأت اجراییه منشأ تحول اساسی در وضع حزب توده بود. زیرا تا آن موقع این سه نفر کم و بیش با اصلاح‌طلبان همدستان بودند. اما پس از آن که وارد دستگاه رهبری شدند این عامل جدید باعث تغییر کلی اوضاع شد. افراد سابق دستگاه رهبری دست به دست این رهبران تازه وارد دادند و چون موقعیت خود را محکم یافتند تمام وعده‌های خود را زیر پا گذاشتند. کنگره که بعد از سه ماه باید



تشکیل می‌شد مرتباً به تأخیر می‌افتاد. از تصفیه ابداً خبری نبود بلکه بعضی از افراد فاسدی که در ابتدا اخراج شده بودند مجدداً به حزب بازگشتند. در مقابل اصلاح‌طلبان مورد حمله قرار می‌گرفتند.»<sup>۱۴</sup>

تلاش اصلاح‌طلبان در کسب اکثریت مطلق کنفرانس ایالتی باعث نگرانی رهبران حزب شد و در پی افزایش فشارها و کشمکش و درگیری بین طرفین، به تدریج اصلاح‌طلبان مایوس شدند. در همین حال هیأت حاکمه حزب تصمیم به اخراج آن‌ها گرفت. به نوشته نورالدین کیانوری «بالاخره حزب تصمیم گرفت که این افراد را به اتفاق رهبرانشان اخراج کند و حزب را از بلاتکلیفی نجات دهد. آن‌ها از این جریان مطلع شدند و شبانه اعلامیه انشعاب را امضاء و منتشر کردند.»<sup>۱۵</sup>

نخستین اعلامیه انشعاب در روز یکشنبه ۱۳ دی‌ماه منتشر شد. گروه انشعابی با تأکید بر کاستی‌های موجود عدم توانایی کمیته مرکزی سابق حزب و هیأت اجراییه موقت در اجرای کامل مصوبات کنگره را اعلام نموده، سپس به تشریح اشتباهات تاکتیکی و نقایص تشکیلاتی پرداختند. پیدایش تکامل جریان اصلاح‌طلبی مورد توجه قرار گرفته و علل انشعاب را روش لجاجت‌آمیز در اجرا نکردن اصول تشکیلاتی و رفع نقایص دانستند. در این اعلامیه تشکیل جمعیت سوسیالیست توده ایران نیز اعلام شده و این تشکیلات را ادامه دهنده اهداف اعلام شده در مرامنامه حزب توده معرفی کردند.<sup>۱۶</sup>



هیأت اجراییه موقت با اعلامیه‌ای در روز ۱۴ دی ۱۳۲۶ این حرکت انشعاییون را تقبیح و اعلان داشت: «باید دانست که بیرون رفتن این عده از حزب در تاریخ مبارزه تشکیلاتی که به توده مردم تکیه دارد حادثه کوچکی است و اگر اهمیتی داشته باشد برای خود این اشخاص است که خود را از مبارزه در یک جنبش توده‌ای به کنار کشیده‌اند.»<sup>۱۷</sup>

در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۲۶ جزوه دو روش برای یک هدف به قلم خلیل ملکی توسط جمعیت سوسیالیست توده ایران چاپ شد. در این جزوه که در واقع جوابی به جزوه منتشره از سوی حزب توده به نام «تحلیلی از اوضاع حزب» به قلم احسان طبری بود تأکید شده بود که نباید برای مبارزه و تلاش برای دموکراسی اهمیت و نقش نیروی اجتماعی زحمتکشان ملت کم‌رنگ و فقط به ستاد زحمتکشان جهان تکیه کنیم. تأکید بر اهمیت نیروی ملی کشور و عدم وابستگی بی‌چون و چرا به «دمکراسی جهانی» یا به عبارت دیگر اتحاد شوروی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده در این جزوه بود. در ادامه نواقص و معایب دستگاه حزب موضوع بحث قرار گرفته و نحوه برخورد حزب را که به جای پاسخ دقیق و متین متوسل به تهمت و افترا شده بودند مورد نقد قرار گرفت. آنگاه موضوع عدم برگزاری کنگره و جریان‌های مختلف داخل حزب، وضعیت این جریان‌ها در مواقع این بحران مورد بررسی قرار گرفته و در پایان علل انشعاب را ناشی از رفتار ناصواب و غیر علمی حزب دانسته، می‌نویسد: «اصلاح‌طلبان و کلیه افراد حزبی شرافتمند که آگاه به جریانند و معتقد به اصول توده‌ای، خود را در مقابل راه‌حل‌های ذیل می‌بینند یا باید تسلیم نظریات باقیمانده هیأت اجراییه کنونی گردیده و از تمام اصول و نظامنامه‌های حزبی که زیر پا گذاشته می‌شود چشم‌پوشی کرده و اطاعت کورکورانه پیش گیرند و یا به خلاف هرگونه انصاف و دموکراسی حزبی تن به متهم شدن و هدف تهمت و افترا گردیدن دهند و پامایوس و ناامید شوند و متصوفانه کناره‌گیری نمایند. و یا دسته‌جمعی فعالیت اجتماعی را برای همان هدف‌ها که تا کنون در حزب توده انجام می‌دادند انجام داده و مبارزه را انجام دهند. امضاءکنندگان اعلامیه اخیر یعنی اکثریت کمیته آتالی حزب توده ایران در تهران و عده‌ای از فعالین حزب راه حل اخیر یعنی ادامه مبارزه را با روش‌های صحیح و منطقی و علمی بر سایر روش‌ها ترجیح دادند.»<sup>۱۸</sup>

احمد قاسمی طی مقاله‌ای در دو شماره نجات عنوان «یک هدف و یک روش» در دفاع از مواضع رسمی حزب توده نوشت: «روقتی که از تأثیر حزب توده ایران صحبت می‌شد و این موضوع به میان می‌آمد که آیا می‌توان فعالیت کرد، یکی از انقلابیون اظهار نظر می‌نمود که نام حزب توده ایران سرافکندگی دارد. شاید از همین جهت و براساس همین عقیده است که اینک «کالای انشعابی» خود را مارک «جمعیت سوسیالیست توده ایران» زده‌اند! در اعلامیه خود مبارزه خویش را «به خاطر همان

هدف جهانی» - بدون تصریح مشارالیه «همان» - اعلام کرده‌اند و نشریه اخیر را به نام دوروش برای یک هدف منتشر ساخته‌اند... امروز شما می‌خواهید حزب توده ایران را لقمه لقمه کنید و در گلوئی امپریالیسم بریزید و باز تقاضا دارید که ما منتظر پایان این روش یعنی چشم به راه هدف شما باشیم؟ هدف شما در پایان کتاب تصریح شده است: «فعالیت دسته جمعی برای همان هدف‌ها که تاکنون در حزب توده انجام می‌دادید» یعنی برای نفاق افکنی، برای ایجاد تشست، برای تشکیل حوزه‌های مخفی، برای برهم زدن وحدت آزادیخواهان، برای آلوده کردن جبهه دمکراسی جهانی. این است هدف‌های شما که وقایع به آن‌ها قرار دارد و شما می‌خواهید به جای هدف‌های حزب توده ایران جا بزنید»<sup>۱۱</sup>

هیأت اجراییه حزب توده نیز در ادامه فعالیت‌هایش برای مبارزه با انشعابیون و پیامدهای سیاسی این امر در یکی از جلسات خود به تاریخ ۱۶ دی ۱۳۲۶، تصویب کرد که کلیه کسانی که از عمل انشعاب تبعیت کرده‌اند از این تاریخ تا پایان روز چهارشنبه ۲۳ دی ماه یعنی یک هفته وقت دارند که دست از این «اقدام زیان‌بخش» بردارند. همچنین در این اعلامیه عنوان شده بود که انشعابیون «در زیر عناوین اصلاح و تاکتیک مترقی بزرگترین لطمه را از داخل به جبهه مبارزه آزادیخواهان وارد آورده و زشت‌ترین و زیان‌بخش‌ترین بدعتی است که گذاشته‌اند»<sup>۱۲</sup>

در این فاصله نامه مردم و دیگر نشریات توده‌ای مثل رزم، پسر، نظر، شهیار... حملات تند و گسترده‌ای را بر علیه انشعابیون به راه انداختند. هر روز از نقاط مختلف تلگراف‌ها و یا نامه‌هایی ارسال می‌شد که عمل انشعابیون را ملامت و مذمت می‌کردند. بعضی از افراد انشعابیون با نامه‌هایی تحت عنوان «ما اشتباه کردیم و به اشتباه خود معترفیم» و یا «به اشتباه خود اقرار می‌کنم» از این‌که اعلامیه انشعاب را امضاء کرده بودند ابراز ندامت کردند. حجم تبلیغات و فشار حزب توده به قدری عظیم بود که انشعابیون به‌رغم آن‌که در مراحل اول کار ابتکار عمل را در دست گرفته بودند عملاً در موضعی انفعالی قرار گرفتند. البته بعضی دیگر از نشریات آن دوره مانند صدای مردم، ایران ما، آتش، قیام ایران موضوع انشعاب و مواضع حزب توده را مورد بحث قرار می‌دادند ولی چنین تحرکاتی نمی‌توانست نسبت به کم کردن فشار از روی انشعابیون منجرشود و از طرفی انشعابیون برای اعلام موضع و پاسخ‌گویی هیچ رسانه‌ای نداشتند. مهدی هاشم نجفی مسئول شورای متحده خوزستان، در سلسله مقالاتی در نامه مردم قسمت‌های مختلفی از مقالاتی را که خلیل‌ملکی فاصله ۲۳ فروردین تا ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۶ در مورد شرکت نفت ایران و انگلیس قبلاً در نامه مردم که در آن به احداث مریضخانه و مؤسسات رفاه اجتماعی به عنوان یک عمل مثبت اشاره نموده بود نقل و آن‌را دلیلی دانسته بود بر «انگلیسی» بودن ملکی. تنها یک نامه از شخصی به نام حمید در روزنامه

صدای مردم خطاب به سردبیر آن از این نحوه برخورد غلط ابراز تأسف کرده و خاطر نشان ساخت که: «تا یک روز قبل از آن که خلیل ملکی و انور خامه‌ای و دیگر یاران آن‌ها از حزب توده منفک شوند و حزب جدیدی بنیان نهند آزادی‌خواه و روشنفکر و وطن‌پرست بودند ولی به مجروری که از روش حزب توده و دوام اشتباهکاری آن به هوش آمده و زیان آن روش و رویه را به ضرر کشور ایران و آزادی پنداشتند طریق دیگری را اتخاذ کردند، عامل امپریالیسم و خیانت‌کار خوانده شدند. آقای مهدی هاشم نجفی دلایلی که برای خیانت این دسته اقامه می‌نمایند مقالاتی است که آقای خلیل ملکی در روزنامه مردم نوشته است، من نمی‌دانم در این ایامی که این مقالات که امروز سسند خیانت و مزدوری و عاملیت امپریالیسم انگلیس شناخته می‌شد چرا این آزادی‌خواهان! از آن جلوگیری نکردند و چگونه مقالات عامل امپریالیسم را منتشر ساختند.»<sup>۲۱</sup>

شاید این از جمله معدود مقالاتی بود که در نشریات آن موقع منتشر شد که نسبت به انشعابیون همدردی شده بود. حزب توده در واکنش به این واقعه چنان رویه تند و شدیدی را آغاز کرده بود که تناقض و تعارضی ذاتی به یکی از وجوه مستمر آن تبدیل شد. گاه می‌گفتند عمل انشعابیون کوچکترین تأثیری بر حزب نخواهد گذاشت و بار دیگر گفته می‌شد عمل انشعابیون بزرگترین لطمه به جنبش آزادی‌خواه بوده است. وقتی انشعابیون در مورد عمل خود به توده‌ای‌ها می‌گفتند «تاریخ قضاوت خواهد کرد» توده‌ای‌ها جواب می‌دادند «مگر آن که تاریخ هم مثل خود این آقایان از منطق سالم عاری باشد.»<sup>۲۲</sup>

بعد از پایان ضرب‌الاجل حزب، هیأت اجراییه موقت، طی صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که انشعابیون را اخراج کرده است. در ادامه این بیانیه به تمامی اعضای حزب اعلام شده بود که انشعابیون را بایکوت و هرگونه مرادده‌ای را با آنان ممنوع کنند و در پایان اعلامیه آمده بود «لازم است هر فردی که به حزب توده ایران و سنت آن وفادار است بدون تزلزل و با یک قضاوت قطعی در مبارزه با این دشمنان جدیدالاحداث ساخت امپریالیسم که به اصلاحات و کلمات و لغات مربوط به ایدئولوژی زحمتکش‌شان مجهزند و «ابلیسانی هستند که قرآن می‌خوانند» وارد شوند و با این منشویسم ایرانی با این کاریکاتورهای [ژوزه] ساراگات‌ها و [لئون] ژوهوها و [لئون] بلوم‌ها، با این گروه انشعابی، جداً پیکار کند. بگذارید این بلاهت شوم، این ننگ هر چه زودتر از میان برود.»<sup>۲۳</sup>

انشعابیون در اعلامیه دوم خود در مقام پاسخ‌گویی به قرار هیأت اجراییه، برخلاف شدت عمل و لحن تند حزب توده رویه مسالمت‌جویانه‌ای را آغاز کرده و نوشتند «در هر حال ما ایمان قطعی به این مسأله داریم که یک نهضت دست چپ بدون همکاری با حزب توده امکان‌ناپذیر است تا چه رسد که با حزب توده مبارزه نماید. عده‌ای از اعضاء هیأت اجراییه مصمم هستند که ما را وادار به

مبارزه با حزب توده نمایند. بعد از این مقدمه به اتهامات توده‌ای‌ها مبنی بر عامل امپریالیسم بودن و غیره ... پرداختند. نمی‌توان این اعلامیه را که شاید اولین تلاش انشعابیون برای پاسخ دادن به فشار عظیم حزب توده بود، پاسخ چندان محکمی به شمار آورد.

در این میان احمد قاسمی طی یک سخنرانی در کلوب حزب توده سعی می‌کرد آراء و عقاید انشعابیون را نقد و به انتقادات آن‌ها پاسخ دهد. او برای این که اثبات کند انشعابیون گرفتار افکار «خرده بورژوازی» هستند، اظهار داشت: «نمونه دیگری از افکار خرده بورژوازی و روشنفکری مثلاً منزله‌طلبی است. فلان فرد روشنفکر در کتاب‌ها خوانده است که کارگر طبقه انقلابی است. کارگر سازنده دنیای نوین است، کارگر نیروی آفریننده دارد. این روشنفکر که شیفته دنیای نوین و جامعه پر عدل و داد می‌باشد به یک دل نه صد دل عاشق کارگر می‌شود و با شوق تمام مأموریت می‌گیرد که در یکی از نقاط کارگری به ایفاء وظایف حزبی بپردازد و دوش به دوش کارگران مبارزه کند، می‌رود و چندی با حرارت تمام کار می‌کند، اما کم‌کم به چیزهایی برمی‌خورد که تصور آن‌ها را نداشت او کارگر را مجسمه انقلاب، جدیت، انضباط و غیره می‌داند و اینک می‌بیند که عجب کارگرها بعد از میتینگ رفتند و مشروب خوردند، کارگرها یک روز باهم دعوا کردند و کلمات آن‌ها از حدود «مرحمت عالی زیاد» «سایه مبارک کم نشود» تجاوز کرد ... این کارگر مطابق ایده‌آلی نیست که در ذهن آن روشنفکر از مدت‌ها پیش متصور شده است، از این جهت عصبانی می‌شود. حالش بهم می‌خورد. از بشر بیزاری می‌جوید و معتقد می‌شود که با این کارگرها نمی‌شود کار کرد.»<sup>۲۲</sup>

بعد از اعلامیه دوم انشعابیون، حملات حزب توده افزایش یافت این بار روس‌ها نیز مواضع رسمی خود را همراه با لحنی تهاجمی نسبت به انشعابیون اعلام می‌کنند؛ نامه مردم به نقل از رادیو مسکو نوشت: «مسکو می‌گوید انگلیس‌ها می‌خواهند نهضت دموکراسی ایران را از هم بپاشند خلیل ملکی با انگلیس‌ها مربوط است و با رضایت و اطلاع آن‌ها اقدام کرده است. چند روز پیش عده‌ای از اعضای حزب توده ایران به ریاست خلیل ملکی اعلامیه‌ای انتشار دادند مشعر بر این که از حزب توده خارج شده و حزب جدیدی به نام سوسیالیست تشکیل داده‌اند. روزنامه *آزادگان* [۴] درباره این عمل که مسلماً تحت تأثیر تحریکات نفاق آور امپریالیسم به وسیله خارودسته خلیل ملکی عمل شده است اظهار نظر کرده و آن را تقبیح می‌کند محافل صلاحیت‌دار تهران عقیده دارند که خلیل ملکی با انگلیس‌ها مربوط است و با اطلاع و رضایت آن‌ها اقدام کرده و می‌خواهد نهضت دموکراسی ایران را از هم بپاشد.»<sup>۲۵</sup>

بعد از اعلام مواضع رسمی مسکو نسبت به انشعابیون و حملات بی‌درپی حزب توده، انشعابیون تصمیم گرفتند که از تشکیل جمعیت سوسیالیست توده اعلان انصراف بدهند. به نوشته انور خامه‌ای

«روز اول بهمن ۱۳۲۶ جلسه عمومی انشعاییون در منزل ملکی تشکیل گردید و خود او پیشنهاد انصراف و دلایل آن را برای حضار که ۱۰۵ نفر بودند بیان کرد ... ضمناً ملکی به گفتار رادیو مسکو اشاره کرد و توضیح داد که پس از این مخالفت صریح دولت شوروی، ادامه فعالیت ما دیگر صلاح نیست و ما را به بن بست خواهد کشاند. بیانات ملکی در میان سکوت اندوهبار حضار به پایان رسید.»<sup>۲۶</sup> ملکی همچنین تصمیم گرفت که از فعالیت سیاسی کناره گیری کند. روزنامه ایران ما در این باره نوشت: «آقای خلیل ملکی تصمیم گرفته است برای همیشه از فعالیت های سیاسی کناره گیری کند و کوشش و وقت خود را صرف خدمات آموزش و پرورش نماید ... آقای ملکی به خبرنگار ما گفته اند که ادامه فعالیت من و دوستانم با روشی که رفقای سابقان پیش گرفته اند فقط و فقط به ضرر نهضت آزادی ایران تمام خواهد شد. من چون معتقدم که به هیچ وجه نباید حزب توده را تضعیف نمود، صلاح دیدم که به نوبه خود فداکاری کرده از فعالیت سیاسی دست بردارم.»<sup>۲۷</sup>

در اعلامیه انشعاییون مبنی بر اعلان انصراف از فعالیت سیاسی، که در آن خلاصه ای از مسائل مورد اختلاف بین اصلاح طلبان و هیأت حاکمه حزبی مورد بحث قرار گرفت نخست تئو بهر خورد هیأت اجراییه حزب با انشعاییون غیر اخلاقی تلقی گردیده سپس آمده بود که «اگر آن طوری که هیأت اجراییه در اولین اعلامیه خود ذکر نمود، جدا شدن دوازده نفر یک واقعه خیلی کوچک است، چرا برای این واقعه کوچک این همه اعلامیه و جاروجنجال و تهمت و افترا راه انداختند؟» آن گاه انشعاییون در مقام ارزیابی عملکرد خود اظهار داشتند «آنچه از محاسبات ما غلط از آب درآمد این بود که ما روش مخالفت بعضی از رهبران حزب توده را با خودمان شرافتمندانه و جوانمردانه فرض نموده بودیم ... بنابراین در مقابل ما تنها یک راه حل منطقی و عاقلانه باقی می ماند و آن این که باز از خود گذشتگی و فدا نمودن شئون شخصی و سوابق و لواحق خود به منافع نهضت از تشکیل جمعیت سوسیالیست توده صرف نظر نموده و به کلیه آزادی خواهان و افرادی که به ما پیوسته اند و یا در شرف پیوستن بودند جداً و اکیداً توصیه نماییم که دور حزب توده حلقه بزنند و آن حزب را تقویت کنند و مطابق نظامات و مقررات حزبی جریان را به طرف ترقی و کمال سوق دهند.»<sup>۲۸</sup>

بعد از انتشار اعلامیه انصراف، حزب توده از این عقب نشینی مسرور و خوشحال شده و طی سرمقاله ای پیروزمندانه اعلام می داشت «یک بار دیگر حزب ما در مبارزه بر ضد ناحق پیروز شد و یکی از بازی های امپریالیسم را در مرحله نخستین تظاهر آن با عدم موفقیت روبه رو کرد. امپریالیسم انگلستان مستقیم و غیر مستقیم با اغوا و گمراه ساختن چند تن از اعضای سابق حزب ما یعنی در موردی با استفاده از سادگی ذهن و در موارد دیگر با استفاده از خودپسندی و جاه طلبی، ضعف نفس،

محاسبات شخصی و احساسات خصوصی و عقاید انحرافی آن‌ها موفق شده بود پس از یک سال تشنج عمومی در یک موقع حساس انشعابی در حزب ایجاد کند»<sup>۱</sup>

حزب توده بعد از پشت سر گذاشتن دوره‌ای بحرانی، اینک با توانی بیش از پیش در مقام حمله برآمده و در این حملات تأکید اصلی را بر "افشای" خلیل ملکی نهاد. «اعلامیه اخیر آقایان مورخه دوم بهمن ۱۳۲۶ که در نهایت تفصیل ظاهراً به قلم آقای خلیل ملکی نوشته شده در حقیقت دفاعی از شخص اوست. با این‌که نقش اجتماعی آقای ملکی به‌طور غیر قابل تردیدی در عرض این مدت که از تاریخ انشعاب گذشته در نزد همه کس روشن شده است باز انشعابیون خود را به جهالت می‌زنند و دفاعیه ایشان را به نام اعلامیه خود امضاء می‌کنند... آیا روزی آن عده از افراد که حماسه اخیر ملکی را امضاء نموده‌اند مجبور به اعتراف این نکته خواهند شد که علاوه بر انشعاب در این جا هم مرتکب خطب تازه‌ای شده‌اند؟ آن‌ها به چه مناسبت اجازه دادند که مسئله انحلال جمعیت سوسیالیست به حساب پیشنهاد ملکی گذاشته شود، کسی که ورودش در حساب امپریالیسم انگلستان آشکار گردیده است؟ انشعابیون از این لجاج چه طرفی بر خواهند بست؟»<sup>۲</sup>

با این‌که انشعابیون از تشکیل یک سازمان مستقل انصراف دادند این مسئله باز هم حزب را ارضاء نکرده به طوری که در سر مقاله آمده بود «این اعلامیه کوچکترین اثری از بیداری وجدان، حسن نیت، ندامت، تنبه، میل به اصلاح، میل به همکاری با نیروی آزادی دیده نمی‌شود. این اعلامیه در حکم متارکه جنگ است، متارکه ای که باید مرحله تازه‌ای از جنگ در پی داشته باشد. این اعلامیه کاملاً دفاع خلیل ملکی است.»

به رغم صدور اعلامیه انصراف انشعابیون، حملات حزب توده چند روز دیگر هم ادامه یافت تا این‌که در تاریخ پنج‌شنبه ۸ بهمن ۱۳۲۶ حزب توده در «نامه سرگشاده به رفقا و سازمان‌های حزبی» پس از این‌که از اعلام وفاداری افراد و سازمان‌های حزبی در تقبیح و ابراز نفرت از انشعاب و همچنین چاپ آن در روزنامه تشکر کرده، می‌نویسد: «روزی نمی‌گذرد که نامه‌ها و مقالات متعددی از جانب سازمان‌های حزبی و رفقای تهران و ولایات درباره انشعابیون نرسد در این نامه‌ها و مقالات ضمن شرح مؤثری سبب‌ها از احساسات مبارزه‌جویانه و حاکی از تعلق صمیمانه به حزب توده ایران با منطقی سالم و درخشان عقلی انشعاب تقبیح و خائنانه خوانده شده است.» و سپس می‌افزاید: «پس از اعلامیه اخیر انشعابیون و انصراف آن‌ها از جمعیت سوسیالیست عجلتاً موردی برای درج متن این نامه‌های شورانگیز و مقالات آتشین نیست. لذا ما از کلیه نویسندگان این نامه‌ها به علت عدم درج نوشته‌هایشان پوزش می‌طلبیم ولی در عین حال به‌خصوص لازم می‌دانیم که ارزش بزرگ این احساسات جوشان و این قضاوت منطقی محکم را که یک حزب مبارز به نیروی آن می‌تواند در

صحنه پیکار وارد شود یادآور شویم. باعث کمال خوشبختی است که ما افراد حزب باشهامت و پرافتخار توده ایران همان‌طور که در برابر استعمار مزدور و ارتجاع سفاک ایستادگی کردیم توانستیم در مقابل انحراف و تحریک داخل و شیوه‌های دغل امپریالیستی نیز هوشیاری به خرج داده مقاومت ورزیم. تا آن‌جا که در این مرحله نیز با موفقیت همراه شویم. ما نویسندگان روزنامه مردم به نوبه خود به همه سازمان‌های حزبی و رفقای ارجمند آزاد، تبعیدی، زندانی، متواری، دورافتاده که به پرچم حزب ما چشم دوخته و با شنیدن نام آن قلب‌شان از شوق می‌تپد درود فراوان و بی‌پایان می‌فرستیم و برای آن‌ها کامیابی در پیکار اجتماع را خواستاریم.<sup>۳۱</sup>

بدین ترتیب عجلتاً تا تشکیل حزب زحمتکشان در سال ۱۳۳۰ که خلیل ملکی و قعدادی از همفکرانش از نو وارد صحنه سیاسی کشور شدند، موج حملات تبلیغاتی حزب توده برضد آن‌ها فروکش کرد. اگرچه در پاره‌ای از بررسی‌هایی که بعدها در توصیف تحولات سیاسی ایران و به ویژه تاریخ فعالیت‌های حزبی کشور در این دوره نوشته شد، از انشعاب ۱۳۲۶ به عنوان یک نقطه عطف اساسی و تفکیک دو خط مشی کاملاً متفاوت که یکی در جهت وابستگی بی چون و چرای به بیگانه سیر می‌کرد و دیگری در جهت تأکید کامل بر اتکاء بر نیروهای یادشده است ولی همان‌گونه که از بازتاب مراحل مختلف آن بر می‌آید، تا رسیدن به چنین خطوط نظری آشکار و مشخصی راهی طولانی در پیش داشت؛ در واقع تنها در سال‌های نخست دهه ۱۳۳۰ بود که با تجدید فعالیت‌های سیاسی خلیل ملکی و گروهی از انشعابیون در غالب تشکل‌هایی چون حزب زحمتکشان و نیروی سوم، انشعاب ۱۳۲۶ به عنوان سرآغاز این حرکت چنین معنا و مفهومی یافت.

شفاف نبودن مباحث جاری، یکی از ویژگی‌های اصلی این دوره گذر مورد بحث از اصلاح تا انشعاب بود. این فقدان صراحت و شفافیت که شاید تا اندازه‌ای نیز اجتناب ناپذیر نبود موضوعی است که در دیگر جوانب این بحث نیز خود را نشان می‌دهد؛ مثلاً در طرح این فوضوح که اصلاح‌طلبان تا چه وقت می‌بایست بر تداوم فعالیت در چارچوب تشکیلات حزب توده اصرار می‌ورزیدند، و کی می‌بایست راه و روال مجزا و جداگانه‌ای اتخاذ می‌کرد؟

## یادداشت

- ۱- یوسف افتخاری، *خاطرات دوران سپهری شده*، به کوشش کاوه بیات، مجید تفرشی، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۰، ص ۶۹.
- ۲- انورخامه‌ای، *خاطرات سیاسی*، نشر گفتار، تهران، ۱۳۷۲.
- ۳- روزنامه رهبر، شماره ۳۹۹، شنبه ۱۸ مهر ۱۳۲۳.
- ۴- باقرعالی، *روزشمار تاریخ ایران*، ج اول، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۲، ص ۳۷۳.



- ۵ - روزنامه رهبر، شماره ۴۱۱، سه شنبه ۲ آبان ۱۳۲۳.
- ۶ - روزنامه رهبر، شماره ۴۰۸، جمعه ۲۸ مهر ۱۳۲۳.
- ۷ - روزنامه رهبر، شماره ۴۰۸، پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۲۳.
- ۸ - روزنامه رهبر کافتارادزه ایران را ترک گفت» شماره ۴۳۸، یکشنبه ۱۹ آذر ۱۳۲۳.
- ۹ - ایرج اسکندری، *خاطرات ایرج اسکندری*، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱.
- ۱۰ - *خاطرات خلیل ملکی*، به کوشش همایون کاتوزیان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۸، ص ۳۳۶.
- ۱۱ - *روزنامه اطلاعات*، مشروح محاکمه خلیل ملکی، شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۴۴، ص ۸.
- ۱۲ - *نامه مردم*، شماره اول، سال چهارم، دوره پنجم، یکشنبه ۱۵ دی ۱۳۲۵.
- ۱۳ - همان جا.
- ۱۴ - *خلیل ملکی و انور خامه‌ای، انشعاییون و حزب توده در برابر ملت ایران*، دی ماه ۱۳۳۶، نشر رزمندگان، مسلمان، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۱.
- ۱۵ - نورالدین کیانوری، *خاطرات نورالدین کیانوری*، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۶۷.
- ۱۶ - *انور خامه‌ای، خاطرات سیاسی*، ضمیمه ۴، ص ۶۵۷.
- ۱۷ - *نامه مردم*، شماره ۲۴۲، دوشنبه ۱۴/۱۰/۱۳۲۶.
- ۱۸ - *خلیل ملکی*، دو روش برای یک هدف، نخستین نشریه سازمانی جمعیت سوسیالیست توده ایران، تهران، ۱۵ دی ۱۳۲۶، ص ۵۸.
- ۱۹ - احمد قاسمی، یک روش و یک هدف، *نامه مردم*، شماره ۲۵۴، ۲۵۵، سه شنبه و چهارشنبه ۲۹ و ۳۰ دی ۱۳۲۶.
- ۲۰ - *نامه مردم*، شماره ۲۴۴، چهارشنبه ۱۶/۱۰/۱۳۲۶.
- ۲۱ - *روزنامه صدای مردم*، سرمقاله، شماره ۲۰۶، یکشنبه ۳ بهمن ۱۳۲۶.
- ۲۲ - *نامه مردم*، درباره انشعاب، شماره ۲۴۷، یکشنبه ۲۰ دی ۱۳۲۶.
- ۲۳ - *نامه مردم*، «قرار هیأت اجرائیه موقت»، شماره ۲۵۰، پنجشنبه ۲۴ دی ۱۳۲۶.
- ۲۴ - *نامه مردم*، شماره ۲۴۸، سه شنبه ۲۲ دی ۱۳۲۶.
- ۲۵ - *نامه مردم*، گفتار رادیو مسکو، شماره ۲۵۳، دوشنبه ۲۸ دی ۱۳۲۶.
- ۲۶ - *انور خامه‌ای*، همان جا، ص ۶۳۶.
- ۲۷ - *روزنامه ایران ما*، *خلیل ملکی از فعالیت سیاسی-پلوگری می‌کند*، شماره ۱۳۷، پنجشنبه ۱ بهمن ۱۳۲۶.
- ۲۸ - *انور خامه‌ای*، همان جا، ص ۶۹۰.
- ۲۹ - *نامه مردم*، «انحلال جمعیت سوسیالیست توده ایران»، شماره ۲۵۹، دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۲۶.
- ۳۰ - همان.
- ۳۱ - *نامه مردم*، شماره ۲۶۲، هفتمشنبه ۸ بهمن ۱۳۲۶.

